

از فال حافظ تا فال امیری

فال گرفتن یکی دیگر از رسوم جذاب شب یلداست که همواره با استقبال روبه‌رو بوده و در هر شهری متفاوت برگزار می‌شود. اصلی‌ترین و عمومی‌ترین فال در میان خانواده‌های ایرانی فال حافظ و پای ثابت اکثر دوره‌هی‌های شب چله است. استاد بهاء‌الدین خرمشاهی درباره علت علاقه ایرانیان به فال حافظ و حضور دیوان او در دوره‌هی‌ها معتقد است: «حافظ نظرکرده است و خدا به حافظ نظر دارد چراکه او به مردم ایران و مردم به او نظر دارند. راز فال حافظ و این‌که شعرهای او بسیار مرتبط با موضوع می‌آید، نظرکردگی اوست. اشعار حافظ مضامین و معانی متنوعی دارند به‌صورتی‌که مضمون به جهان شعر و معنا به زندگی واقعی مربوط است. حافظ بیش از هر شاعر دیگری به معنا پرداخته است.» علاوه بر فال حافظ، فال‌های دیگری نیز میان اقوام ایرانی رواج دارد. مثلا در همدان خانواده‌ها «فال سوزن» دارند. در این شیوه فالگیری، یک تکه پارچه تازه و آب‌نندیده می‌آورند، یک زن مسن و باکمال که شعر از حفظ دارد، شعری می‌خواند و دخترچه کوچک و معصومی روی همان پارچه سوزن می‌زند.



در شیراز «فال کلوک» مرسوم است. در این شیوه در «کلوک» که یک کوزه دهن‌کشادی است روغن شیر، رب‌انار یا ترشی می‌ریزند و روی کوزه با لعابی سبز پوشیده شده است. کلوک به میان مجلس آورده می‌شود و هریک از زنان نشانه‌ای در آن می‌اندازند. آن‌گاه دخترچه‌ای جلو آمده، دست در کلوک کرده و یکی از اشیای داخل کلوک را بیرون می‌آورد و به دیگران نشان می‌دهد. سپس زن باسادی ترانه‌های محلی را می‌خواند و هرکسی از ترانه‌های مخصوص خودش نتیجه‌ای می‌گیرد. به جای ترانه‌های محلی بعضی از اشعار حافظ نیز خوانده می‌شوند.

«شم‌شمی» هم در گیلان رواج دارد. در فال شم‌شمی، هرکس که نیثی دارد، دم در خانه با سرگرد می‌ایستد و به حرف‌های رهگذران گوش می‌دهد و چنانچه حرف‌های خوب شنیده باشد، آن را به برآورده‌شدن نیت خود تعبیر می‌کند. در میان عشایر بخشبزاری هم یکی از رایج‌ترین فال‌ها، «فال نخود» است که با شیوه‌ای جذاب معمولاً توسط افراد مسن حالا یا توسط مردان یا زنان گرفته می‌شود. در فال نخود بد (مطلق) وجود ندارد و این از ویژگی‌های خوب و مخصوص و برتر فال نخود نسبت به سایر فال‌هاست و با وجود این اگر فال ما بد آمد به این معنی است که درحال حاضر زمان انجام کاری که برایش فال گرفته‌ایم فرا نرسیده و باید مدتی را صبر کنیم و سپس دوباره فال بگیریم. خوب آمدن فال به این معناست که زمان حال برای انجام کاری که نیت کرده‌ایم مناسب است در غیر این‌صورت باید همچنان صبر کنیم تا زمان مناسب فرا برسد. در برخی شهرها نیز فال گردو می‌گیرند. حضاران در مجلس، گردویی را انتخاب کرده و آن را می‌شکنند و از زرو پوک یا پری گردو، آینده‌گویی می‌کردند. در مازندران «فال امیری» رسم است. در این شب هرکس نشانی را از جمله سنجاق سرو سینه یا انگشتی خود را درون کوزه‌ای می‌انداخت و دخترچه‌ها که نماد پاکی و زیبایی بودند دست را درون کوزه می‌برده و برای امیری‌خوان نشان را در می‌آوردند، امیری‌خوان نیز دوبیتی را برای صاحب مال می‌خواند.

ایرانیان از دیر باز به بازی توجه خاصی نشان می‌دادند، به طوری‌که در تمامی جشن‌ها از جمله یلدا بازی‌های محلی به صورت گروهی اجرا می‌شد و کمتر شاهد اجرای بازی‌های انفرادی هستیم. در آذربایجان، «جواب‌بازی» مرسوم است. این بازی شبیه گل یا پوچ است با این تفاوت که تیم مقابل باید جای سکه را در جواب حریف تشخیص دهد. همدانی‌ها هم «فغان بازی»

بازی‌های جذاب دوره‌هی‌های ایرانی شب چله

چله، یا شب یلدا، یکی از قدیمی‌ترین جشن‌های باستانی است که با وجود گذشت بیش از ۸۰۰۰ سال هنوز هم در بین ایرانیان از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار است. تداوم این جشن در مقایسه با برخی جشن‌ها و اعیاد بزرگ باستانی دیگر همچون جشن سده و جشن مهرگان که نتوانستند از افت‌وخیزهای تاریخ به‌راحتی عبور کنند، نشان می‌دهد که چله را همچون نوروز، باید مردمی‌تر و جذاب‌تر از دیگر جشن‌های باستانی برگزارشده بدانیم. رمز و راز پیاپی و مانایی جشن چله تا به این روزگار، به چند عامل بستگی دارد؛ پیوند چله با طبیعت و آغاز نوزدگی فصل در گردش سال که با نظمی جاودانه و بسامان هر سال تکرار می‌شود، وابستگی این جشن طبیعی به شیوه زندگی و نوع کار و معیشت جامعه کشاورز و دهقان ایرانی، استمرار و یازتاب هویت فرهنگی کهن ایرانی در جوهره آن، توجه به جایگاه بزرگان و وریش سفیدان، زنان و کودکان و از همه اینها مهم‌تر، همگانی‌بودن این جشن و این‌که مردم به سادگی قادر به برگزاری آن هستند.

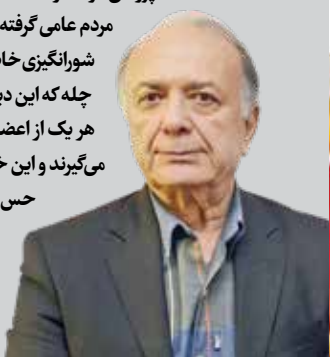
همین اهمیت هم باعث شد تا آیین چله، به‌عنوان یکی از آثار ناملموس فرهنگی ایران برای ثبت جهانی در یونسکو مطرح شود و در ۹ آذرماه سال جاری «شب چله» باکد ۱۸۷۷ به‌عنوان نوزدهمین میراث ناملموس فرهنگی کشور ثبت جهانی شد. در ثبت جهانی یلدا در یونسکو آمده است: «شب چله یا یلدا، سال جشن کهنی است که در آن فزونی روشنایی خورشید، نور و حرارت زندگی، مورد توجه برگزارکنندگان قرار می‌گیرد.

انقلاب زمستانی در نیمکره شمالی برابر با یکم دی‌ماه در تقویم ایرانی است و این تاریخ مصادف با آغاز روند بلندترشدن روزها در این منطقه است. این مراسم در ایران بزرگ فرهنگی در آخرین شب پاییز برگزار می‌شود. خانواده‌ها دور یکدیگر جمع می‌شوند و دور میزی می‌نشینند که با برخی اشیاء و خوراکی‌های نمادین تزئین شده است؛ چراغی برای نماد نور، آب برای نشان‌دادن پاکی و میوه‌های قرمزترنگ مانند انار، هندوانه،



حافظ ماهیت ارزشی کشور

یکی از رسوم ثابت و همیشگی در شب چله در چند سده اخیر، خواندن اشعار حافظ شیرازی و گرفتن فال افراد حاضر در دوره‌هی بر اساس آن است. هر یک از مهمانان نیت کرده و بزرگ مجلس، تفالی به گنجینه حافظ می‌زند. دکتر محمد باقایی در ارتباط با حافظ‌خوانی در شب یلدا می‌گوید: حافظ از چهره‌های بزرگ فرهنگی نه تنها ایران بلکه جهان است. این توجه یا به عبارت بهتر این دلدادگی، ناشی از زیبایی کلام او چه به لحاظ ساختاری و چه از حیث محتوایی است. از تأثیر چنین ویژگی‌هایی است که تقریباً همه ایرانیان بیتی از او را در خاطر دارند یا به صورت ضرب‌المثل به کار می‌برند. با جست‌وجودر کتاب امثال‌الحکم شادروان دهخدا می‌بینیم ابیات حافظ جای بسیار مشخصی نسبت به سروده‌های دیگر شاعران دارد. این امر مبین میزان نفوذ حافظ در قلب و روح مردم است. همچنین بسیاری از مصرع‌ها و ابیات او به صورت مثل رایج است؛ به همین سبب دیوان خواجه شیراز در آیین‌های مختلف از نوروز گرفته تا یلدا و حتی در مراسم عقدکنان در کنار کتاب آسمانی دیده می‌شود. وی تصریح می‌کند: این مزیت را هیچ یک از کتاب‌های منثور یا منظوم ادب فارسی ندارند. حافظ نه تنها بخش مهمی از هویت ایرانی را تشکیل می‌دهد بلکه اشعار او یکی از عوامل ماهیت ارزشی کشور محسوب می‌شود. بقایی در ادامه با تأکید بر این‌که حافظ در مراسم‌های مختلف از جمله در شب یلدا حضور بسیار پررنگی در خانواده‌ها دارد و اشعار او برای همه اذهان از مردم عامی گرفته تا فرهیختگان ممتاز جذایت و شورانگیزی خاصی دارد، تصریح می‌کند: در شب چله که این دیوان بر سفره قرار می‌گیرد معمولاً هر یک از اعضای خانواده تفالی از این دیوان می‌گیرند و این خود گویای آن است که ایرانی‌ها حس و حالشان با سروده‌های حافظ بسیار تطبیق دارد و ابیات او مبین احوال آدمیانی است که در شعر او تعمق می‌کنند.



می‌کنند و گل را زیر فغان مخفی می‌کنند. جوانان خرم‌آبادی در شب چله بازی خاصی دارند که به آن «شنه‌برگی» می‌گویند. شانه‌ای را وسط می‌گذارند، دوفرا یک فاصله مشخص از شانه می‌نشینند. باید با یک دست شانه را به سمت خود بکشند. جریمه بازنده خریدن شب‌چره (خوراکی‌های شب یلدا) است. مازنی‌ها هم بازی سؤال «تکی بازی» را در شب یلدا اجرا می‌کنند. به این صورت که یک نفر روی زمین دراز می‌کشد و

چغندر، عناب و انگور نیز نماد گرما هستند. شیرینی، خشکبار و آجیل نیز که مخصوص این مناسبت استفاده می‌شود، سر سفره می‌گذارند و در حین مهمانی مصرف می‌شوند. در این شب فعالیت‌هایی از شعرخوانی و قصه‌گویی تا بازی و موسیقی و هدیه‌دادن به کودکان را شامل می‌شود. این رویداد هویت فرهنگی، طبیعت، احترام به زنان، مهمان‌نوازی، تنوع فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز را گرمی می‌دارد. بزرگ‌ترها به عنوان حاملان فعلی و ناقلان این جشن آیینی شناخته می‌شوند. یلدا به سبب شاخصه‌های اقلیم زیستی مردمان سرزمین ایران فرهنگی و ارتباط آن با طبیعت و کیهان، از روزگار کهن تا به امروز استمرار داشته است و متناسب با گذر زمان تغییراتی ظاهری در نحوه برگزاری آن دیده می‌شود اما ساختار و ماهیت آن تغییری نکرده است.»

چغندر، عناب و انگور نیز نماد گرما هستند.

مخصوص این مناسبت استفاده می‌شود، سر سفره می‌گذارند و در حین مهمانی مصرف می‌شوند. در این شب فعالیت‌هایی از شعرخوانی و قصه‌گویی تا بازی و موسیقی و هدیه‌دادن به کودکان را شامل می‌شود. این رویداد هویت فرهنگی، طبیعت، احترام به زنان، مهمان‌نوازی، تنوع فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز را گرمی می‌دارد. بزرگ‌ترها به عنوان حاملان فعلی و ناقلان این جشن آیینی شناخته می‌شوند. یلدا به سبب شاخصه‌های اقلیم زیستی مردمان سرزمین ایران فرهنگی و ارتباط آن با طبیعت و کیهان، از روزگار کهن تا به امروز استمرار داشته است و متناسب با گذر زمان تغییراتی ظاهری در نحوه برگزاری آن دیده می‌شود اما ساختار و ماهیت آن تغییری نکرده است.»

از چله ایرانی تا کرشمس مسیحی

اما ۸۰۰۰ سال آیین مهر که در ایران با سنت‌هایی همچون یلداگرامی داشته می‌شوند، اوج تمدن ایرانی را نشان می‌دهد. آیینی که هزار سال پیش از ظهور فلسفه یونانی شکل گرفت و سایه سنگین خود را در شکل‌گیری تمدن غرب حفظ کرده است. بهرپرستی یامیترائیس، آیینی رازآمیز است که بر پایه پرستش ایزد ایرانی در دوران پیش از آیین زرتشت بنیان نهاده شد. چله در ایران کهن، شب رایش خورشید و پایان پیروزی تاریکی و نماد و مظهر میترا (ایزد مهر) است. بنابر باورداشت‌های ایرانیان، خورشید در واپسین شب پاییز، یعنی آخرین شب‌ماه آذر، باززاده می‌شود و در نخستین روزدی‌ماه از فصل زمستان که روزش منتسب به خورشید و «خور» و ماهش منتسب به آفریدگار جهان و کائنات، اورمزد نامیده می‌شود، طلوعی تازه دارد. درحقیقت چله پیام‌آور دو بشارت بزرگ است؛ یکی بشارت به پایان یافتن یک دور کیهانی و آغاز دور کیهانی نوین دیگر، به عبارت دیگر به سرآمدن فصل پاییز و آمدن فصلی یا سالی نو با زمستان؛ و دیگری بشارت به زایش دوباره خورشید در درازترین شب سال پس از مرگ نمادیش در پاییز و بلندشدن روزها از پس آن و بالتذکی و دیرمائی بیشتر خورشید در جولانگاه هر روزه خود در بهنه آسمان تا پایان زمستان. این‌که بیش از ۸۰۰۰ سال پیش ایرانیان چگونه توانسته‌اند محاسبات اخترشناسی خود را چنین دقیق بیان کنند تا زایش خورشید را در آغاز زمستان نوید دهند، نشانگر آن است که از دیرباز نجوم و اخترشناسی علمی بوده نزد ایرانیان که به گستره تاریخ بشری هدیه داده شده است. گردش دور کیهانی و تغییر فصل‌ها و تحویل

لیوانی روی پیشانی او می‌گذارند، داخل لیوان آب می‌ریزند. فرد باید طوری بلند شود که آب از لیوان به زمین نریزد. فرد بازنده جریمه می‌شود. در کردستان هم بازی محلی رواج دارد. چوبی ۳۰ سانتی‌متری را دو نفر که نشسته‌اند و پاهای‌شان را به هم چسبانده‌اند به سمت خود می‌کشند، برنده کسی است که دیگری را با فشاری که وارد می‌کند، از زمین بلند کند. به این بازی «گورناکشی» می‌گویند.



بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.

بازی «گورناکشی» می‌گویند.



انار را به خاطر دانه‌هایی که در دلش دارد، نماد باروری و زایش می‌دانند. بر اساس یک باور قدیمی، مردم با خوردن انار در یلدا از میوه‌های تابستانی خداحافظی می‌کنند و به استقبال سرما و زمستان با میوه‌هایش می‌روند. بعضی‌ها هم معتقدند انار در سفره یلدا باعث دفع سردی از بدن می‌شود. دلیل حضور انار در یلدا هر چه باشد نکوست و زیبایی این سفره را دوچندان می‌کند. یاقوت‌های انار تداعی‌کننده صحنه‌ای آمیخته با جادو و شگفتی در این مراسم باشکوه است. اگر همراه با این یاقوت‌ها، مادر بزرگ قصه‌گویی باشد که کرسی در خانه دارد تا دور هم بنشینیم و طعم یاقوت‌ها را بچشیم و به داستان‌ها گوش جان دهیم، دیگر جادوی این فضا قابل وصف نیست. گاهی از زنان مادر بزرگ‌ها ... به بچه‌ها می‌شنویم که داستانی از انار می‌گویند که یک دانه از هزار دانه انار از بهشت است و باید تمام یک انار را خورد تا آن دانه را به دست آورد. در نتیجه بچه‌ها سرگرم و مراقب دانه‌های انار را می‌خورند و هشیارند مبدا حتی یک دانه به زمین افتد.

سفره

انار

نشانه شادی و زایش

یلدا

هندوانه

پای ثابت سفره شب چله



در بیشتر فرهنگ‌های ایرانی باور بر این است، اگر مقداری هندوانه در شب یلدا بخورید، در سراسر زمستان طولانی، سرما و بیماری بر شما غلبه نخواهدکرد. مثلا در گیلان بر این باورند که هرکس در شب چله هندوانه بخورد، در تابستان احساس تشنگی نمی‌کند و در زمستان سرما را حس نخواهدکرد. در آذربایجان هم مردم هندوانه چله (چيله قاريزوی) می‌خورند و باور دارند با خوردن هندوانه لرز و سوز و سرما به تن آنها تأثیری ندارد.

در برخی اقوام ایرانی در این شب فال هندوانه هم می‌گیرند. آنها پوست هندوانه‌های شب یلدا را بریده و به چهار قسمت تقسیم کرده و نیت می‌کنند. سپس پوسته‌ها را از جلو به پشت سر می‌اندازند. در صورتی که دو قطعه سبز و دو قطعه سفید باشد، فال آنها نیکوست. اگر یک قطعه سبز و سه قطعه سفید باشد، باطل است. اگر چهار قطعه سبز باشد یا یک آنها خواهد بود. اگر چهار قطعه سفید باشد، آنها بدشانسی می‌آورند.

تصنیفی برای آیین یلدا

تصنیف «دل شیدا» از ساخته‌های علی‌اکبر شیدا، تصنیف‌ساز و ترانه‌سرای دوره نامرئی است که می‌توان از آن به عنوان قدیمی‌ترین اثر هنری درمصوص آیین کهن شب یلدا یاد کرد. از نکات قابل توجه درباره این تصنیف، آخرین روز زندگی استاد ابوالحسن‌خان مینا، موسیقیدان برجسته ایرانی است. که به گفته دخترش، استاد مینا در آخرین روز زندگی‌اش که مصادف می‌شود با شب یلدای سال ۱۳۳۶ و در طول آن روز این تصنیف را مدام زمزمه می‌کرد تا از دنیا رفت.



برای دیدن تصنیف دل شیدا، کیو آر کد را اسکن کنید

قاب

